

## سبک زندگی در روستاهای تبدیل شده به شهر در ایران (مورد مطالعه: شهرهای جدید شهرستانهای خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی)

علی اصغر مهاجرانی<sup>۱</sup>، مهدی یوسف نیا<sup>۲</sup>

### چکیده:

عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گوناگونی تحت تأثیر شهرنشینی، سبک زندگی افراد را تغییر داده است. سبک زندگی در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، پوشاک، تغذیه، مدیریت بدن، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل جلوه‌گر می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستانهای خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی انجام شده است. مبنای نظری پژوهش بر مبنای نظریات ابن خلدون، وبر، ویلن، زیمل، بوردیو، گیدنز و چنی تدوین شده است. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته است. نتایج نشان می‌دهد بین مشارکت اجتماعی، سازمان‌های سیاسی و اداری، شبکه‌ی راهها و وسایل ارتباطی، روحیه‌ی فردگرایی، هویت طبقاتی و روابط غیرمستقیم و ثانویه به عنوان عوامل اجتماعی، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای و سرمایه‌ی فرهنگی به عنوان عوامل فرهنگی، مصرف‌گرایی، ایجاد مراکز خرید، تمایل به منافع سوداگرانه، کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک و سطح رفاه اقتصادی به عنوان عوامل اقتصادی و سبک زندگی افراد ارتباط معناداری وجود دارد.

**کلید واژه‌ها:** شهرنشینی، سبک زندگی، مصرف رسانه‌ای، مصرف‌گرایی، فردگرایی.

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (نویسنده مسؤل)

## مقدمه

امروزه شهرنشینی به شکل غالب زندگی انسان‌ها تبدیل شده است. بیش از نیمی از جمعیت ۷ میلیاردی جهان ساکن شهرها هستند و این میزان در برخی کشورها بسیار بیشتر بوده و گاه به ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت می‌رسد. محققان گوناگونی از جمله ابن خلدون، تونیس، زیمل، وبر، دورکیم، ورث، بوردیو، گیدنز و چنی به بررسی تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ناشی از شهرنشینی بر سبک زندگی ساکنان نواحی شهری پرداخته‌اند. بعد از تبدیل یک روستا به مرکز شهر آن منطقه با پدیده‌ی شهرنشینی روبه‌رو شده که عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص خود را نیز به دنبال دارد. مجموع این عوامل نیز بر سبک زندگی ساکنان این نواحی تأثیرگذار بوده و در نهایت سبک جدیدی از زندگی را پدید می‌آورند. با عنایت به مطالب مذکور، هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان مراکز جدید شهری ایران (روستاهای تبدیل شده به شهر) است. در نظر گرفتن سبک زندگی در روستاهای تبدیل شده به شهر به مثابه‌ی زمینه‌ی انجام این تحقیق از باب نشان دادن اهمیت پرداختن به مسائل شهری در نقاطی است که به تازگی و در چند دهه اخیر به جرگه شهرهای قدیمی‌تر پیوسته‌اند. پاره‌ای از مطالعات جهانی درباره‌ی اینگونه شهرها انجام گرفته است؛ به عنوان مثال دمپسی در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ میلادی در شهر اسمال تاون استرالیا انجام داد به این نتیجه رسید که مردم این شهر احساس تعلق و وابستگی شدیدی به محل زندگی خود داشتند و از انسجام اجتماعی زیادی برخوردار بودند. بالا بودن سطح مشارکت اجتماعی در این منطقه‌ی شهری به وضوح مشاهده گردید. نتایج تحقیق ویلسون در سال ۱۹۹۳ میلادی نشان داد که هر چند شهری شدن باعث کاهش ملاقات‌های چهره به چهره با اقوام می‌شود، ولی این تأثیرات اندک است. یافته‌های تحقیق وی در سال ۲۰۰۶ میلادی نشان می‌دهد که پاسخگویان به شناسایی پیجر و تلفن همراه به عنوان ملاک غربی شدن و سبک زندگی اجتماعی فعال تمایل دارند. چادونپادیای به فقدان زیرساخت و خدمات اساسی در اینگونه شهرها در هند و نقش آن در دست یافتن به

توسعه‌ی پایدار اشاره دارد (اوماجا<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷: ۸۲). در ایران نیز نتایج تحقیق ایزدی خرامه در سال ۱۳۸۰ نشان داده است که تبدیل روستا به شهر در کاهش مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ‌تر و تثبیت جمعیت در نواحی روستایی، افزایش فرصت‌های شغلی بویژه در بخش خدمات اداری و تجاری و نیز در بهبود کارکردهای خدماتی شهرهای ایجاد شده و حوزه‌ی نفوذ آنها مؤثرند. پورافکاری، کلانتری و نقدی (۱۳۸۱) در تحقیقی نشان داده‌اند که بین شهرنشینی و متغیرهایی افزایش سطح توسعه‌ی فرهنگی، افزایش میزان مشارکت اجتماعی افراد، افزایش امکانات منطقه، بالا رفتن سطح سواد رابطه وجود دارد. ضیاء توانا و امیرانتخابی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیده‌اند که تبدیل روستاهای شهرستان تالش به شهر نه تنها تحولات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مهمی را در خود این مراکز ایجاد می‌کند، بلکه حوزه‌ی نفوذ آنها را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. پورهمرنگ (۱۳۸۷) در تحقیق خود به وجود رابطه‌ی میان محیط اجتماعی و شهری مدرن و رشد و گسترش نفس و فردگرایی اذعان نمود. نوابخش و فتیحی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که رشد شهرنشینی در کشور ما به فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستایی در چند دهه منجر شده است. حقیقتیان (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که شهرنشینی بر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی افراد تأثیر منفی معناداری داشته است ولی بر گسترش معیارهای عام‌گرایانه، احساس بی‌کنترلی و داشتن روابط و اتکاء بر خانواده و اقوام تأثیر چندانی نداشته است. نتایج به دست آمده از پژوهش صادقی قمشلو (۱۳۹۲) نشان داد که فرآیند تبدیل روستا به شهر در مناطق مورد مطالعه دارای پیامدهای کاهش انسجام اجتماعی مردم، تغییر کاربری اراضی و تخریب آنها بوده است. نتایج تحقیق ذوالفقاری (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بین دو متغیر نحوه‌ی مصرف‌گرایی افراد و میزان درآمد ماهانه‌ی آنها در سطح بالایی همبستگی وجود دارد. ارزیابی تحقیقات صورت گرفته در این حوزه (تبدیل روستا به شهر و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن در منطقه) نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات انجام گرفته به بررسی تأثیرات محیطی و کالبدی و تحقیقات اندکی نیز به مطالعه‌ی

اثرات اقتصادی و اجتماعی این فرایند در مناطق مورد مطالعه پرداخته‌اند. نیکلاس اسپایکمن معتقد است که در شهر، تعداد زیاد، گروه‌های ثانوی، اتحادیه‌ها و تماس‌های زودگذر بر تعداد اندک گروه‌های اولیه، اجتماعات و روابط دائمی غلبه دارد. در همین الگو آزادی، فردیت، عقل‌گرایی، رسمیت، عمومیت و خودنمایی بر محدودیت، همنوایی با جمع، احساسات، صمیمیت و تواضع غلبه دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۵-۲۰۴). به نظر پارک و سائل آسان رفت و آمد و ارتباطات که افراد را به توزیع توجه آنها و زندگی هم‌زمان در دنیاها‌ی مختلف قادر می‌سازد، به از بین بردن پایداری و صمیمیت همسایگی گرایش دارند (پارک، ۱۹۶۹: ۹۸). کلود فیشر ادعا می‌کند در حالی که بیشتر تفاوت‌های موجود در بین افراد در شهر به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده، سهم ویژه‌ی رفتار در بین افراد براساس محل سکونتشان متفاوت است؛ یعنی به دلیل اندازه‌ی جمعیت شهر، ساکنان شهر بزرگ فرصت دارند به شیوه‌هایی عمل کنند که ساکنان روستا معمولاً آن را به سختی می‌یابند. ابن خلدون معتقد است انسان ساخته و محصول محیط و نوع زندگی‌اش است؛ بدین سبب هنگامی که انسان، شهرنشین شده و در شهرها ساکن گردید، شهر او را وادار می‌سازد تا از آن تبعیت نماید و صفات خود نظیر تجمل، تکلف، اسراف، خوشگذرانی و سرگرمی را بر او تحمیل می‌کند (علیمردانی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). ابن خلدون در کتاب خود تفاوت عادات و رسوم و شؤون زندگی ملت‌ها را نتیجه‌ی اختلافی می‌داند که در شیوه‌ی معاش خود پیش گرفته‌اند، وی اجتماع انسانها را تنها برای به دست آوردن وسائل معاش می‌داند و اینگونه اجتماعات ابتدایی و ساده را نوعی تلاش پیش از مرحله‌ی شهرنشینی در رسیدن به مرحله‌ی تمدن کامل می‌داند (راهب، ۱۳۸۶: ۱۱۰). از نظر تونیس، جامعه‌گونه‌ای از زندگی در مراکز شهری است که معمولاً با خصوصیات شهرنشینی همراه است. این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که «۱- مردم جامعه‌ی شهری غیر از عده‌ی معدودی که در زندگی روزانه‌ی خود با آنها برخورد می‌کنند و ارتباط دارند دیگر شهروندان و شهرنشینان را نمی‌شناسند؛ بر عکس اجتماع روستایی که تمام افراد یکدیگر را می‌شناسند. ۲- روابط افراد غیرشخصی است یعنی اینکه ضابطه، عقلانیت، محاسبه‌پذیری، نظم بر روابط و تعاملات انسانی حاکم است» (قنادان،

۱۳۷۵: ۲۳۱). در مجموع، می‌توان گفت که بنا به نظریه‌ی تونیس در سبک زندگی شهری، روابط اجتماعی مبتنی بر کارایی و عقلانیت است. این روابط سطحی و خالی از عاطفه، صمیمیت و کنش‌های متقابل اجتماعی است و کنترل اجتماعی افراد با کمک نهادهای رسمی صورت می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۷۵). به نظر زیمل، انسانهای شهری وقت‌شناس و حسابگر، بی‌تفاوت (دلزده) در برابر محرک‌های بی‌شمار محیط شهری، دارای گرایش ذهنی مبتنی بر رفتاری احتیاط‌آمیز، تودار و خویش‌دار، بی‌خبر از همسایه‌ها و سرد و خشک هستند. توداری، همراه با احساس تنفر مخفی، ویژگی عام شهری تلقی می‌شود که در عین حال این ویژگی میزانی آزادی شخصی به افراد می‌بخشد که در هیچ محیط دیگری مشاهده نمی‌شود (زیمل، ۱۹۶۹: ۵۴-۵۱). بر اساس نظر دورکیم در جوامع شهری شاهد رشد روابط فردی هستیم که آگاهی یا وجدان فردی را با خود به همراه می‌آورد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۷۹-۱۷۸). وبر شهر را جایگاه مهم بوروکراسی، نظام سیاسی و بازار می‌داند بنابراین جنبه‌های گوناگون و مرتبطی دوشادوش یکدیگر در پدید آوردن شهرها نقش داشته و به سیمای ظاهری شهر نیز شکل می‌بخشیدند (پیران، ۱۳۷۰: ۱۰۲). طبق نظر اسملسر در زمینه‌ی کشاورزی، جامعه‌ی در حال توسعه، جامعه‌ای است که از حالت زراعت در حد معیشت به سمت تولید محصولات کشاورزی برای تجارت پیش می‌رود (ازکیا، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۶). دانیل لرنر، در مطالعه‌ای که در سال (۱۹۵۱-۵۲) بین شهرنشینی، سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباط نزدیکی یافت (اسدی و مهرداد، ۱۳۵۶: ۲۳-۲۰). ورث معتقد است که «۱- خاصیت جزئی و سودجویانه‌ی روابط بین افراد در شهر، در سطح نهادها و در آشکارترین صورت خود در تخصصی شدن کارها و حرف مختلف تجلی می‌نماید. ۲- افراد جامعه‌ی شهری در گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه و اجباری متعددی عضویت دارند و از این طریق امکان برنامه‌ریزی دقیق برای انجام فعالیت‌های شغلی، آموزشی، تفریحی ... عملی می‌گردد» (توسلی، ۱۳۸۴: ۹). به منظور استفاده از نظریات ارائه شده، اثرات مورد نظر هر یک از نظریه‌پردازان مورد نظر، در قالب سه متغیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دسته‌بندی شده که در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تحقیق و شاخص‌های مورد نظر بر اساس نظریات بیان شده

متغیرهای مستقل	شاخص‌ها	نظریه پرداز/نظریه پردازان بیان‌کننده‌ی شاخص
عوامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	ماکس وبر، دانیل لرنر و لوئیس ورث
	سازمانهای سیاسی و اداری	ابن خلدون، وبر، ورث و اسپایکمن
	شبکه‌ی راهها و وسایل ارتباطی	پارک، اسملسر و لرنر
	روحیه‌ی فردگرایی	ابن خلدون، تونیس، دورکیم، وبر و لرنر
	هویت طبقاتی	ابن خلدون، دورکیم
	روابط غیرمستقیم و ثانویه	تونیس، زیمل، پارک، ورث و فیشر
عوامل فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	لرنر و بوردیو
	مصرف رسانه‌ای	لرنر و بوردیو
	سرمایه‌ی فرهنگی	لرنر و بوردیو
	گرایش‌های دینی	ابن خلدون
عوامل اقتصادی	شیوه‌ی معیشت	ابن خلدون، زیمل، وبر و اسملسر
	مصرف‌گرایی	زیمل
	بازار و مراکز خرید	وبر
	منافع شخصی و سوداگرانه	ابن خلدون، زیمل، پارک و ورث
	حمایت‌های مشترک	ابن خلدون
	سطح رفاه اقتصادی افراد	ابن خلدون و لرنر

در دهه‌های اخیر موضوع سبک زندگی مورد توجه جامعه‌شناسان زیادی قرار گرفته است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۹۹). ابن خلدون دو سنخ اجتماعی بادیه‌نشین و شهرنشین را بر اساس روش معیشت و شیوه‌های زندگی یا همان سبک زندگی مطرح می‌سازد و به طور کلی علت اصلی اختلاف این دو سنخ را محیط جغرافیایی و شیوه‌ی معیشت آنها می‌داند. «باید دانست که تفاوت عادات و رسوم و شوون زندگانی ملت‌ها در نتیجه‌ی اختلافی است که در شیوه‌ی معاش (اقتصاد) خود پیش می‌گیرند» (ابن خلدون، ۱۳۷۳: ۲۲۵). از دید زیمل شهر فضایی است که زندگی مدرن در آن جریان دارد. جامعه‌ی مدرن در اصل

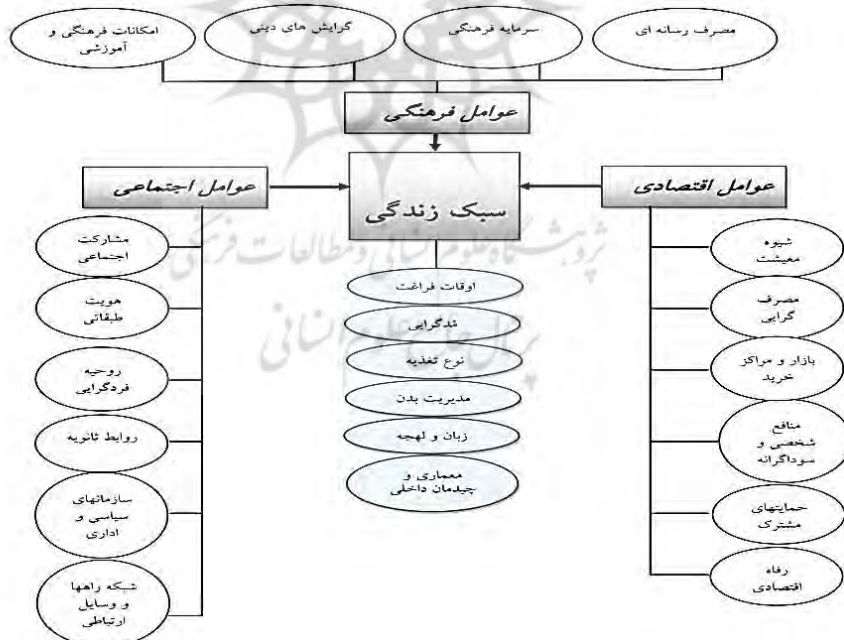
در کلانشهر شکل گرفته و به صورت عمیق و کامل در آنجا تکامل یافته است (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۷۶). ایده ویلن بر تمایزیابی و تقلید مبتنی است. به باور وی «طبقه‌ی مرفه از طریق مصرف تظاهری به اقتدار هنجاری دست می‌یابد و خود را به الگوی جامعه تبدیل می‌کند. گروه‌های اجتماعی زیردست می‌کوشند تا خود را با الگوهای هنجاری طبقه‌ی مرفه تنظیم کنند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۱). از دید وبر مدهای گوناگون از درون سبک‌های مختلف زندگی ناشی شده و به وسیله‌ی آنها پذیرفته یا رد می‌شوند. هر سبک زندگی آدابی خاص دارد که این آداب شامل مَد نیز می‌شود «آداب، زمانی مَد نامیده می‌شوند که تازه بودن رفتار مربوط مبنای جهت‌گیری کنش باشد» (وبر، ۱۳۷۴: ۳۴). در نظریه‌ی بوردیو سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده‌ی فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌ی معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت یافته و تجسم‌یافته‌ی ترجیحات افراد است (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶). بر اساس نظریه‌ی بوردیو روستاها و شهرها با یکدیگر از لحاظ سبک زندگی تفاوت‌هایی دارند (بوردیو، ۱۹۸۴). از نظر گیدنز سبک زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می‌آیند؛ عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند. هر یک از تصمیم‌گیری‌هایی که یک شخص در زندگی روزانه می‌کند (چه بپوشم؟ چه بخورم؟ در محیط کار چگونه کار کنم؟ پس از پایان کار با چه کسی ملاقات کنم؟) در تعیین و تنظیم امور روزمره مشارکت دارند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۰). از نظر چنی تحلیل‌گران نه تنها باید زمینه‌های تغییر رژیم غذایی، عادات اوقات فراغت یا چشم‌داشت‌های مربوط به نقش‌های وابسته به جنس را بدانند، بلکه نیازمند دانستن معنای فرهنگی انواع گوناگون تغییر نیز هستند. سبک‌های زندگی هم، صورت‌هایی از هویت جمعی هستند، که در طول زمان تحول می‌یابند (چنی، ۱۹۹۶: ۱۱). به منظور استفاده از نظریات ارائه شده، شاخص‌های مورد نظر هر یک از نظریه‌پردازان مورد مطالعه برای سنجش سبک زندگی، در قالب جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌ها و عناصر تشکیل دهنده سبک زندگی به تفکیک نظریه پردازان بیان‌کننده‌ی شاخص

متغیر وابسته	شاخص‌ها	نظریه پرداز/نظریه پردازان بیان‌کننده‌ی شاخص
سبک زندگی	الگوهای گذران اوقات فراغت	بورديو و چنی
	مُدگرایی (لباس)	زیمل، وبلن، وبر، بورديو و گیدنز
	نوع تغذیه	بورديو، گیدنز و چنی
	مدیریت بدن	بورديو
	سبک معماری و چیدمان داخلی منازل	بورديو
	زبان و لهجه صحبت کردن	بورديو

بر مبنای شاخص‌های احصا شده از نظریات مختلف مطرح شده برای سنجش متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، می‌توان مدل مفهومی شکل (۱) را برای این تحقیق ترسیم نمود.

شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق





## روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی است. در این پژوهش از روش‌های اسنادی و پیمایشی بهره‌برداری و از پرسشنامه‌ی محقق ساخته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه‌ی آماری عبارت است از مراکزی که در فاصله‌ی زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۳ هجری شمسی در شهرستانهای خواف و رُشتخوار واقع در استان خراسان رضوی از مناطق روستایی به شهر تبدیل شده‌اند. علت در نظر گرفتن این بازه‌ی زمانی به عنوان جامعه‌ی آماری، این بوده که حداقل ۱۰ سال از تبدیل این روستاها به شهر گذشته باشد، تا عوارض و اثرات این مسأله بر سبک زندگی ساکنان به خوبی مشخص شده و خود را نشان داده باشند. طبق اطلاعات موجود در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۳ هجری شمسی، در شهرستانهای مورد مطالعه تعداد سه مرکز روستایی به اسامی نشتیفان و سلامی (در شهرستان خواف) و جنگل (در شهرستان رُشتخوار) به مناطق شهری تبدیل شده‌اند، که در این تحقیق سه شهر جدید مذکور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. طبق اطلاعات منتشره از سوی مرکز آمار ایران، در سرشماری سال ۱۳۹۰، سه شهر جامعه‌ی آماری این تحقیق در مجموع جمعیتی برابر با ۲۰۴۹۷ نفر داشته‌اند. با نگرش به جامعه‌ی آماری، حجم نمونه‌ی این تحقیق بر اساس نتایج به دست آمده از فرمول نمونه‌گیری کوکران برابر با ۳۳۷ نفر به دست آمده و سپس به شیوه‌ی سهمیه‌ای (اختصاص متناسب)، بین شهرهای جامعه‌ی آماری تقسیم شده است. با توجه به جامعه‌ی آماری مورد مطالعه و با در نظر گرفتن درجه‌ی دقت و صحت جامعه‌ی نمونه و خطای نمونه‌گیری، در مرحله‌ی اول، حجم نمونه‌ی تحقیق با استفاده از فرمول کوکران به شیوه‌ی سهمیه‌ای (اختصاص متناسب)، در میان شهرهای جامعه‌ی آماری تقسیم شده است.

تعداد کل نمونه‌ی آماری تحقیق بر اساس فرمول، ۳۳۷ نفر به دست آمده است بنابراین در مرحله‌ی دوم، حجم نمونه به شیوه‌ی اختصاص متناسب، در میان شهرهای جامعه‌ی آماری تقسیم شد. تعداد نمونه‌ی مورد انتخاب از هر شهر مورد مطالعه با استفاده از فرمول زیر (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۰) محاسبه گردید، که نتیجه‌ی به دست آمده

برابر جدول (۳) است.

جدول ۳: تعداد جامعه‌ی آماری و نمونه‌ی آماری تحقیق به شیوه‌ی اختصاص متناسب

تعداد نمونه (نفر)	تعداد جمعیت (نفر)	جامعه‌ی نمونه آماری
۱۲۲	۷۴۲۶	شهر نشتیفان
۱۰۸	۶۵۸۱	شهر سلامی
۱۰۷	۶۴۹۰	شهر جنگل
۳۳۷	۲۰۴۹۷	جمع

منبع: بررسی‌های کتابخانه‌ای محققان (۱۳۹۳)

### یافته‌های پژوهش

از مجموع افراد مورد مطالعه، ۶۵/۶ درصد مرد و ۳۴/۴ درصد نیز زن بوده‌اند. همچنین ۴۳/۳ درصد در محدوده‌ی سنی ۱۹ تا ۲۹ سال، ۲۷/۷ درصد در محدوده‌ی سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۷/۳ درصد در محدوده‌ی سنی ۴۰ تا ۴۹ سال، ۹/۲ درصد در محدوده‌ی سنی ۵۰ تا ۵۹ سال و ۲/۵ درصد نیز در محدوده‌ی سنی ۶۰ سال به بالا بوده‌اند. ۷۴/۶ درصد متأهل و ۲۵/۴ درصد نیز مجرد بوده‌اند. همچنین ۲۸ درصد دارای شغل آزاد، ۱۹/۶ درصد خانه‌دار، ۱۹/۳ درصد کشاورز و ۱۶/۵ درصد نیز دانشجو بوده‌اند. از مجموع افراد مورد مطالعه ۲۹/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۰/۴ درصد دیپلم، ۱۹/۹ درصد سیکل و ۱۷/۷ درصد کارشناسی بوده‌اند. آزمون همبستگی پیرسون بین فرضیه‌های تحقیق (جدول ۳) نشان می‌دهد که وجود ارتباط معنادار بین اکثر فرضیه‌های فرعی مورد بررسی بجز دو فرضیه‌ی گرایش‌های دینی و تغییر شیوه‌ی معیشت با متغیر وابسته (سبک زندگی) با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شده است؛ بنابراین می‌توان گفت بین مشارکت اجتماعی، سازمانهای سیاسی و اداری، شبکه‌ی راهها و وسایل ارتباطی، روحیه‌ی فردگرایی، هویت طبقاتی، روابط غیر مستقیم و ثانویه، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای، سرمایه‌ی فرهنگی، مصرف‌گرایی، ایجاد بازار و مراکز خرید، تمایل به منافع سوداگرانه، کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک، سطح رفاه اقتصادی افراد و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۵: مقایسه‌ی آزمون همبستگی پیرسون فرضیه‌های تحقیق

سبک زندگی			فرضیه‌های فرعی	عوامل
تعداد	سطح معناداری	مقدار		
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۲۶	مشارکت اجتماعی	عوامل اجتماعی
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۳۴	سازمانهای سیاسی و اداری	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۹۷	شبکه‌ی راهها و وسایل ارتباطی	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۳۶۷	روحیه‌ی فردگرایی	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۱۹۰	هویت طبقاتی	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴	روابط غیر مستقیم و ثانویه	عوامل فرهنگی
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۳۲۶	امکانات فرهنگی و آموزشی	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۶۳	مصرف رسانه‌ای	
۳۳۷	۰/۱۳۹	۰/۰۸۱	گرایش‌های دینی	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۷۹	سرمایه‌ی فرهنگی	
۳۳۷	۰/۰۶۷	۰/۱۰۰	تغییر شیوه‌ی معیشت	عوامل اقتصادی
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۵۴	مصرف‌گرایی	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱۴	ایجاد بازار و مراکز خرید	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۱۹۳	تمایل به منافع سوداگرانه	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱۷	کمرنگ شدن حمایت‌های مشترک	
۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۳۵۵	سطح رفاه اقتصادی افراد	

منبع: نتایج تحقیق

### آزمون مقایسه‌ی میانگین شهرهای مورد مطالعه (ANOVA):

برای مقایسه میانگین متغیرهای مستقل و وابسته بین شهرهای مورد مطالعه از آزمون  $F$  استفاده شده است. فرضیه صفر در این آزمون معنادار بودن تفاوت میانگین متغیرها در شهرهای مورد مطالعه بوده و فرضیه ادعا نیز معنادار نبودن تفاوت میانگین متغیرها در جامعه‌ی مورد بررسی است.

متغیر سبک زندگی:

جدول ۵: آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مربع	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	بین گروهی	سبک زندگی
۰/۴۶۶	۰/۷۶۶	۱۵۹/۰۳۹	۲	۳۱۸/۰۷۷	درون گروهی	
		۲۰۷/۷۳۹	۳۳۴	۶۹۳۸۴/۹۲۱	مجموع	

جدول (۵) نتیجه‌ی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. طبق جدول، سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۴۶۶ بوده که از ۰/۰۵ بیشتر است. در نتیجه دلیلی بر رد فرضیه‌ی صفر وجود ندارد بنابراین فرضیه ادعا تأیید نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین میانگین متغیر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول ۶: میانگین متغیر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه

تعداد گروههای همگن	تعداد	شهر محل سکونت	آزمون توکی (Tukey)
۱		سلامی	
۴۳/۲	۱۰۸	جنگل	
۴۴/۳	۱۰۷	نشتیفان	
۴۵/۶	۱۲۲	سطح معناداری	

با توجه به جدول (۶)، می‌توان گفت که میانگین سبک زندگی هر سه شهر مورد مطالعه همگن بوده و در یک دسته قرار می‌گیرند. پس تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. متغیر عوامل اجتماعی:

جدول ۷: آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مربع	درجه آزادی	مجموع مربعات	بین گروهی	عوامل اجتماعی
۰/۱۳۶	۲/۰۰۷	۳۱۰/۰۷۷	۲	۶۲۰/۱۵۳	درون گروهی	
		۱۵۴/۴۷۲	۳۳۴	۵۱۵۹۳/۸۰۹	مجموع	

			۳۳۶	۵۲۲۱۳/۹۶۲	مجموع	
--	--	--	-----	-----------	-------	--

جدول (۷) نتیجه‌ی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. طبق جدول سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۱۳۶ بوده که از ۰/۰۵ بیشتر است، در نتیجه دلیلی بر رد فرضیه‌ی صفر وجود ندارد و بنابراین فرضیه ادعا تأیید نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین میانگین متغیر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول ۸: میانگین متغیر عوامل اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه

تعداد گروه‌های همگن	تعداد	شهر محل سکونت	
۱			
۴۸/۲	۱۰۸	سلامی	آزمون توکی (Tukey)
۵۱	۱۰۷	جنگل	
۵۱/۱	۱۲۲	نشتیفان	
۰/۱۸۰		سطح معناداری	

با توجه به جدول (۸)، می‌توان گفت که میانگین عوامل اجتماعی هر سه شهر مورد مطالعه همگن بوده و در یک دسته قرار می‌گیرند پس تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. متغیر عوامل فرهنگی:

جدول ۹: آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مربع	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	بین گروهی	عوامل فرهنگی
۰/۰۰۸	۴/۹۵۵	۱۰۳۶/۳۲۱	۲	۲۰۷۲/۶۴۳	درون گروهی	
		۲۰۹/۱۴۴	۳۳۴	۶۹۸۵۳/۹۶۴	مجموع	

جدول (۹) نتیجه‌ی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. طبق جدول سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۸ بوده که از ۰/۰۵ کمتر است، در نتیجه دلیلی بر رد فرض ادعا وجود ندارد بنابراین فرضیه

نقیض ادعا تأیید نمی‌گردد. به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.

جدول ۱۰: پس‌آزمون وجود تفاوت معنادار متغیر عوامل فرهنگی بین شهرهای مورد مطالعه

فاصله‌ی معناداری	حد پایین	سطح معناداری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	شهر مورد مقایسه	شهر محل سکونت	
		۰/۰۰۵	۱/۹۱	۶/۰۱	سلامی	نشتیفان	
۱/۵۲	۱/۵۲	۱/۹۲	۲/۸۱	جنگل	سلامی		
۷/۳۲	-۱/۷۰	۰/۳۰۸	۱/۹۱	-۶/۰۱		نشتیفان	
۱/۵۲	-۱۰/۵۱	۰/۰۰۵	۱/۹۷	-۳/۲۰	جنگل		
۱/۴۴	-۷/۸۴	۰/۲۳۷	۱/۹۲	-۲/۸۱	نشتیفان	جنگل	
۱/۷۰	-۷/۳۲	۰/۳۰۸	۱/۹۸	۳/۲۰	سلامی		

همانطور که در جدول (۱۰) پس‌آزمون مشاهده می‌شود، طبق آزمون توکی تفاوت معناداری بین میانگین عوامل فرهنگی در شهرهای نشتیفان و سلامی وجود دارد. ولی بین میانگین این عوامل در شهرهای نشتیفان و جنگل و همچنین سلامی و جنگل تفاوت وجود ندارد.

جدول ۱۱: میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه

تعداد گروه‌های همگن	تعداد	شهر محل سکونت		
		۱	تعداد	شهر محل سکونت
۲	۵۲/۸۰	۱۰۸	سلامی	آزمون توکی (Tukey)
	۵۶	۱۰۷	جنگل	
۵۶		۱۲۲	نشتیفان	
۰/۳۱۵	۰/۲۲۳	سطح معناداری		

با توجه به جدول (۱۱) می توان گفت که میانگین عوامل فرهنگی در شهرهای سلامی و جنگل همگن بوده و در یک دسته قرار می گیرند، همچنین میانگین این عوامل در شهرهای جنگل و نشتیفان نیز در یک دسته دیگر قرار می گیرند. به عبارت دیگر میانگین عوامل فرهنگی بین شهرهای سلامی و جنگل و همچنین جنگل و نشتیفان تفاوت معناداری نداشته ولی بین شهرهای سلامی و نشتیفان تفاوت معناداری مشاهده می شود. متغیر عوامل اقتصادی:

جدول ۱۲: آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مربع	درجهی آزادی	مجموع مربعات		
۰/۰۰۰	۸/۲۹۹	۱۱۵۴/۴۲۲	۲	۲۳۰۸/۸۴۵	بین گروهی	عوامل اقتصادی
		۱۳۹/۰۹۸	۳۳۴	۴۶۴۵۸/۷۳۴	درون گروهی	
			۳۳۶	۴۸۷۶۷/۵۷۹	مجموع	

جدول (۱۲) نتیجهی آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می دهد. طبق جدول سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۰ بوده که از ۰/۰۵ کمتر است، در نتیجه دلیلی بر رد فرضیه ادعا وجود ندارد بنابراین فرض نقیض ادعا تأیید نمی گردد. به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.

جدول ۱۳: پس آزمون وجود تفاوت معنادار متغیر عوامل اقتصادی بین شهرهای مورد مطالعه

فاصله‌ی معناداری		سطح معناداری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	شهر مورد مقایسه	شهر محل سکونت	آزمون توکی (Tukey)
حد بالا	حد پایین						
۷/۸۷	۰/۵۳	۰/۰۲۰	۱/۵۶	۴/۲۰	سلامی	نشتیفان	
۱/۴۳	-۵/۹۲	۰/۳۲۳	۱/۵۶	-۲/۲۵	جنگل		
-۰/۵۳	-۷/۸۷	۰/۰۲۰	۱/۵۶	-۴/۲۰	نشتیفان	سلامی	

-۲/۶۶	-۱۰/۲۳	۰/۰۰۰	۱/۶۱	-۶/۴۴	جنگل	
۵/۹۲	-۱/۴۳	۰/۳۲۳	۱/۵۶	۲/۲۵	نشتیفان	جنگل
۱۰/۲۳	۲/۶۶	۰/۰۰۰	۱/۶۱	۶/۴۴	سلامی	

همانطور که در جدول (۱۳) پس آزمون مشاهده می‌شود، طبق آزمون توکی تفاوت معناداری بین میانگین عوامل اقتصادی در شهرهای نشتیفان و سلامی و همچنین سلامی و جنگل وجود دارد ولی بین میانگین این عوامل در شهرهای نشتیفان و جنگل تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۱۴: میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه

تعداد گروه‌های همگن		تعداد	شهر محل سکونت	آزمون توکی (Tukey)
۲	۱			
	۵۰/۱۳	۱۰۸	سلامی	
۵۴/۳۳		۱۰۷	جنگل	
۵۶/۵۸		۱۲۲	نشتیفان	
۰/۳۲۹	۱	سطح معناداری		

با توجه به جدول (۱۴) می‌توان گفت که میانگین عوامل اقتصادی در شهرهای جنگل و نشتیفان همگن بوده و در یک دسته قرار می‌گیرند، همچنین میانگین این عوامل در سلامی نیز در یک دسته دیگر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر میانگین عوامل اقتصادی بین شهرهای جنگل و نشتیفان تفاوت معناداری نداشته ولی بین شهرهای سلامی و نشتیفان - جنگل تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. در مجموع تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل اصلی و فرعی تحقیق و سنجش میزان تأثیر آنها بر متغیر وابسته نشان می‌دهد که:

**الف-** بین هر سه عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا (Beta) مربوط به این عوامل مشخص می‌شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶، بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است؛ پس از آن عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۲۰۴ و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه‌های دوم و سوم قرار



دارند.

ب- در تحلیل رگرسیون با استفاده از روش گام به گام (Stepwise)، تنها شش متغیر مستقل فرعی مصرف رسانه‌ای، مصرف‌گرایی، روحیه‌ی فردگرایی، مشارکت اجتماعی، سطح رفاه اقتصادی افراد و روابط غیرمستقیم و ثانویه که دارای بیشترین تأثیر بر سبک زندگی بوده، وارد مدل شده‌اند. با بررسی ضریب بتا (Beta) مربوط به این عوامل مشخص می‌شود که متغیر مصرف رسانه‌ای با بتای ۰/۲۹۵ بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است؛ پس از آن متغیرهای مصرف‌گرایی با ضریب ۰/۲۵۵، روحیه فردگرایی با مقدار ۰/۲۱۵، سطح رفاه اقتصادی افراد با مقدار ۰/۱۲۹، مشارکت اجتماعی با مقدار ۰/۱۱۲ و روابط غیر مستقیم و ثانویه با مقدار ۰/۰۹۷ در رتبه‌های دوم تا ششم قرار دارند.

ج- تحلیل رگرسیون ۱۶ متغیر مستقل فرعی تحقیق با استفاده از روش همزمان (Enter)، میزان تأثیر هر یک از آنها را بر متغیر وابسته‌ی سبک زندگی به شرح جدول (۱۵) نشان می‌دهد:

جدول ۱۵: آزمون معناداری ضرایب مدل رگرسیون شانزده متغیر مستقل فرعی تحقیق

عوامل	مدل	ضرایب استاندارد نشده		تسطح معناداری
		B	Beta	
	عدد ثابت	۴۴۳	۳/۳۰۱	۱۹۴
اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰/۷۵	۰/۰۳۳	۲۹۱
	سازمانهای سیاسی و اداری	۰/۰۸	۰/۰۳۰	۲۵۶
	شبکه‌ی راهها و وسایل ارتباطی	۰/۲۲	۰/۰۳۵	۱۱۷
	روحیه‌ی فردگرایی	۱۷۹	۰/۰۳۸	۷۰۸
	هویت طبقاتی	۷۰۰۴	-۰/۰۰۶	۱۲۷
	روابط غیر مستقیم و ثانویه	۰/۵۰	۰/۰۲۹	۷۳۳
فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰/۱۴	۰/۰۳۸	۳۶۴
	مصرف رسانه‌ای	۲۳۳	۰/۰۴۳	۲۸۵
	گرایش‌های دینی	۷۰۲۰	۰/۰۳۱	۶۶۲

۰/۳۹۳	۱۵۶	۰/۰۴۳	۰/۰۲۶	۰۲۲	سرمایه‌ی فرهنگی	
۰/۴۰۹	۸۲۶	-۰/۰۳۹	۰/۰۲۷	۰۲۳	تغییر شیوه‌ی معیشت	
۰/۰۰۰	۵۸۳	۰/۲۲۹	۰/۰۳۶	۱۶۴	مصرف‌گرایی	
۰/۹۰۱	۱۲۴	۰/۰۰۷	۰/۰۳۷	۰۰۵	ایجاد بازار و مراکز خرید	اقتصادی
۰/۴۵۸	۷۴۲	۰/۰۳۸	۰/۰۳۳	۰۲۵	مایل به منافع شخصی و سوداگرانه	
۰/۹۸۶	۰۱۸	۰/۰۰۱	۰/۰۳۸	۰۰۱	کمرنگ شدن حمایت‌های مشترک	
۰/۰۰۹	۱۳۴	۰/۱۲۸	۰/۰۳۵	۰۹۳	سطح رفاه اقتصادی افراد	

منبع: نتایج تحقیق

### بحث و نتیجه‌گیری:

با توجه به شتاب تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و روند رو به رشد شهرنشینی در سطح جهان و اهمیت مسأله‌ی سبک زندگی در نظام سکونتگاهی شهری، این پژوهش در صدد شناسایی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر بوده است. بر اساس نظریات موجود در ادبیات جامعه‌شناسی شهری و روستایی، پس از تبدیل یک روستا به شهر و ورود آن منطقه به عرصه‌ی شهرنشینی، پیامدها و عوارض ناشی از این تغییر و تحول خود را قالب عوامل مختلفی از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشان می‌دهند. بر همین مبنا مجموع این عوامل بر سبک زندگی ساکنان این نواحی اثرگذار بوده و بین آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همانطور که نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهند، عوامل و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سیاست تبدیل شتابان روستاهای بزرگ و تأثیرگذار به شهرهای کوچک و کم تأثیر نه تنها به سمت رشد و توسعه‌ی منطقه‌ای پیش نرفته بلکه موجب بروز مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختلفی در این نواحی نیز شده است. نتایج بدست آمده درباره‌ی عوامل مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر، به طور کلی با نتایج تحقیقات قبلی از جمله تحقیقات طاهرخانی (۱۳۸۷)، پورافکاری، کلانتری و نقدی (۱۳۸۱)، نوریان شادباد (۱۳۸۳)، جمشیدی (۱۳۸۴)، سرایی و همکاران (۱۳۸۶)، رحمانی فضلی و همکاران (۱۳۸۷)، پورهمرنگ

(۱۳۸۷)، نوابخش و فتحی (۱۳۸۹)، نظام زاده اژی (۱۳۹۰)، فیروزنیا و همکاران (۱۳۹۰)، حقیقتیان (۱۳۹۱)، شایان، مردی و طاهرخانی (۱۳۸۳)، رستگار (۱۳۸۴)، فاضلی (۱۳۸۷)، محمدپور و رضایی (۱۳۸۸)، چولی محمودآبادی (۱۳۹۰)، قاسمی پاکرو (۱۳۹۱) و ویلسون (۱۹۹۳) همخوانی دارد. در متغیر وابسته‌ی سبک زندگی، تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشده است. میانگین سبک زندگی در نشتیفان (۴۵/۶) به نسبت میانگین کل (۴۴/۴) مقدار بالاتری را نشان می‌دهد اما در شهرهای سلامی (۴۴/۳) و جنگل (۴۳/۲) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. پس می‌توان نتیجه‌گیری نمود که سبک زندگی در نشتیفان در مقایسه با سلامی و جنگل به سمت مدرن‌تر طیف تمایل بیشتری را نشان می‌دهد. در متغیر عوامل اجتماعی تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشد. میانگین عوامل اجتماعی در نشتیفان (۵۱/۱) و جنگل (۵۱/۱) به نسبت میانگین کل (۵۰/۱) مقدار بالاتری را نشان می‌دهد اما در شهر سلامی (۴۸/۲) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که عوامل اجتماعی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی تأثیر بیشتری بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. در متغیر عوامل فرهنگی تفاوت میانگین قابل ملاحظه‌ای بین شهرهای مورد مطالعه دیده می‌شود. میانگین عوامل فرهنگی در نشتیفان (۵۸/۸) به نسبت میانگین کل (۵۶) مقدار بالاتری و در جنگل (۵۶) مقدار مساوی را نشان می‌دهد اما در شهر سلامی (۵۲/۸) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که عوامل فرهنگی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی، بر سبک زندگی افراد تأثیر بیشتری داشته‌اند. در متغیر عوامل اقتصادی نیز تفاوت میانگین چشمگیری بین شهرهای مورد مطالعه دیده می‌شود. میانگین عوامل اقتصادی در نشتیفان (۵۴/۳) و جنگل (۵۶/۶) به نسبت میانگین کل (۵۳/۷) مقدار بالاتری را نشان می‌دهد اما در شهر سلامی (۵۰/۱) میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود بنابراین می‌توان گفت که عوامل اقتصادی مورد بررسی در شهرهای جنگل و نشتیفان در مقایسه با سلامی بر سبک زندگی

افراد تأثیر بیشتری داشته‌اند. بین هر سه عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا (Beta) مربوط به این عوامل مشخص می‌شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶ بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است؛ پس از آن عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۲۰۴ و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مجموع بیشتر تغییرات سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی متأثر از عوامل فرهنگی در شهر جنگل ناشی از عوامل اقتصادی بوده‌اند. با ورود تکنولوژی، تغییرات بنیادینی در زندگی، احساس، تفکر، شیوه‌ی زیست و فرهنگ انسان امروزی پدید آمده است. افزایش مصرف رسانه‌ای در قالب مطبوعات، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، کتاب، ویدئو و... امروزه بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره را شامل می‌شوند. فعالیت رسانه و رادیو و گسترش جاده‌ها را که به توسعه ارتباط با شهرها و نواحی اطراف منجر شدند می‌توان از نخستین تغییرات در الگو یا کسب ارتباطی روستاهای تبدیل شده به شهر دانست. رادیو و تلویزیون با تولید و پخش پیامهای متناسب با فرهنگ شهری به اطلاع‌رسانی درباره‌ی سبک زندگی شهری برای روستاهای شهر شده می‌پردازند. جاده‌های آسفالت شده همراه با گسترش کاربرد اتومبیل‌های شخصی و عمومی در سطح این نواحی فرصت مراجعه بیشتر و ارتباطات رو در رو و چهره به چهره‌ی بیشتری برای ساکنان با شهرهای اطراف را فراهم ساختند. روستاهای تبدیل شده به شهر در ایران به دلیل بهره‌مندی از بخشی از دستاوردهای فناوری دنیای مدرن و به سبب برخورداری از تسهیلات ارتباطی نسبتاً مناسب، در دوره‌ی ای از تاریخ تحول فرهنگی - اجتماعی خود قرار گرفته‌اند، که حرکتی نسبتاً گسترده از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی نوین را تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانست که مهم‌ترین آنها ورود امکانات مدرن و در رأس آنها برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی است. علاوه بر این شهرنشینی و تشکیلات اجتماعات تغییرات زیادی در نحوه‌ی غذا خوردن افراد ایجاد

کرده است. امروزه گسترش سبک زندگی شهری تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر عادات غذایی افراد گذاشته است. همچنین در دوره‌ی مدرن و معاصر، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه‌ی فضاها‌ی شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثری در چگونگی فرهنگ خانه معاصر داشته و دارد. این وضعیت سبب شده تا بتوان قضاوت کرد که سبک زندگی شهری در برخی جهات به این مناطق نیز رسوخ کرده است؛ تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف، در ساختارهایی همچون همبستگی، نوآوری، فردگرایی، روحیه‌ی تعاون و به طور کل در سبک زندگی روستاهای تبدیل شده به شهر به وجود آمده است. این تغییرات در روستاهای شهرشده نسبت به مناطق دیگر از شتاب بیشتری برخوردار بوده است، به طوری که می‌توان از آن به عنوان پدیده‌ی «شهری شدن سبک زندگی در روستاها» نام برد.



## منابع

- ابن خلدون، ع. (۱۳۷۳). مقدمه، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، ج ۱ و ۲، علمی و فرهنگی، تهران.
- ازکیا، م. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- اسدی، ع، مهرداد، ه. (۱۳۵۶). نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه‌ی فرهنگی، پژوهشکده‌ی علوم ارتباطی ایران، تهران.
- ایزدی خرامه، ح. (۱۳۸۰). تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد مطالعه: استان فارس، رساله دکتری «جغرافیا و برنامه ریزی روستایی» دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- باکاک، ر. (۱۳۸۱). مصرف، ترجمه‌ی خسرو صبری، تهران: انتشارات شیرازه.
- بوردیو، پ. (۱۳۸۴). اشکال سرمایه در کتاب: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ویراسته کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- پور افکاری، ن، کلاتری، ص، نقدی، ا. (۱۳۸۰). توسعه‌ی شهرنشینی و پیامدهای آن (با تکیه بر مورد ایران)، فصلنامه‌ی جمعیت، شماره ۳۹ و ۴۰، ص ۱ تا ۳۴.
- پوره‌مرنگ، ن. (۱۳۸۷). بررسی رفتارهای اجتماعی افراد در محیط شهری مدرن، مطالعه‌ی موردی: بلوار گل‌سار رشت، پایان نامه کارشناسی ارشد «جامعه‌شناسی» دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- پیران، پ. (۱۳۷۰). دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۴۹ و ۵۰، ص ۱۰۲ تا ۱۰۷.
- توسلی، غ. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات پیام نور.
- حقیقتیان، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی در شهر بوشهر

- (آزمون نظریه لوئیس ویرث)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره هشتم، ص ۳۹ تا ۵۰.
- ذوالفقاری، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر سبک زندگی و الگوی مصرف افراد، مطالعه موردی: مناطق شمال، مرکز و جنوب شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- راهب، غ. (۱۳۸۶). درنگی در مفهوم روستا، مجله محیط‌شناسی، سال سی و سوم، شماره ۴۱، ص ۱۰۵ تا ۱۱۶.
- زیمل، گ. (۱۳۷۲). کلانشهر و حیات ذهنی، ترجمه‌ی یوسف اباذری، نامه‌ی علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳.
- صادقی قمشلو، ف. (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل پیامدهای تبدیل روستا به شهر، مطالعه‌ی موردی: شهرستانهای جنوبی استان اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- صدیق سروسستانی، ر. (۱۳۶۹). انسان و شهرنشینی، نامه‌ی علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره‌ی یک، جلد دوم، ص ۱۹۸ تا ۲۲۶.
- ضیاء توانا، م ح، امیرانتخابی، ش. (۱۳۸۶). روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش، فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، ص ۱۰۷ تا ۱۲۸.
- علیمردانی، م. (۱۳۸۵). سیر تحول پدیده شهرنشینی و ویژگیهای اجتماعی شهرنشینان در اندیشه ابن خلدون، فصلنامه‌ی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، سال شانزدهم، شماره ۵۹، ص ۹۷ تا ۱۲۲.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، انتشارات صبح صادق، قم.
- فاضلی، ن. (۱۳۸۷). مدرنیته و مسکن: رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه،

سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی،

سال اول، شماره ۱، ص ۲۵ تا ۶۳.

- فکوهی، ن. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- قنادان، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، تهران: نشر آوای نور.
- کیویستو، پ. (۱۳۸۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مهدوی کنی، م. س. (۱۳۹۰). دین و سبک زندگی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- وبر، م. (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه‌ی منوچهر ترابی نژاد و عمادزاده، تهران: انتشارات مولی.

- Bourdieu, P, 1984, Distinction: A social critique of the Judgment of taste. Routledge, 1984.
- Chaney, D. (1996) Lifestyle, London, Routledge.
- Dempsey, k. (1990). Small town: A study of social inequality, Cohesion and Belonging . Melbourn: oxford university press.
- Omoja L Onwura, 1987, the Role of Small Towns in Rural Development in Borno State, Nigeria, UK, London University (Ph.D.).
- Park, R. E. (1969) "The City: Suggestions for the Investigation of Human Behavior in the Urban Environment", in Richard Sennet (Ed), Classic Essays on the Culture of Cities, New York: Meredith Corporation: 91-130.
- Simmel, G. (1969) "The Metropolitan and Mental Life", in Richard Sennet (Ed), Classic Essays on The Culture of Cities, New York: Meredith Corporation: 47-60.
- Wei, R. (2006). Lifestyle and new media: Adaption use of wireless communication technologies in china , New media society, Vol. 6, P991-1008.
- Wilson, T. (1993). Urbanism and kinship Bonds: A test of four generalizations . Social force 71(3), pp. 703-712.